

«توسعه پایدار» چشم انداز جهان سوم

مهندس حسین نصیری

تمهید:

احترام به زمین و محیط زیست، ریشه در تاریخ بشر دارد و این احترام در بسیاری از داستانهای اساطیری و فرهنگهای گوناگون ملل جهان، به صورت برجسته، خود می نمایاند.

انسانها، از آغاز دریافتند که رمز بقای آنها در گرو هماهنگی با طبیعت است و آموختند که زوال طبیعت زوال آنهاست. راز آن «احترام» همین حقیقت بود، که در طول سالیان با حیات بشر درهم آمیخته شد.

سخن در انکار فراز و نشیبهای قرون نیست اما، بقای بشر و تداوم روند حیات انسانها در کره خاکی، مآلاً حفظ حرمت محیط زیست را، دلالت می کند.

در یکی دو قرن اخیر، با اوج گیری تواناییهای ابزاری بشر، آن تعادل زیست محیطی قرون گذشته، به زیان طبیعت برهم خورد. لطمات وارده بر طبیعت در این دوران ابعاد اسفبار و بعضاً غیر قابل جبرانی یافت و در ربع آخر قرن بیستم، به اعتباری، از مرز فاجعه نیز گذشت.

اگر چه بررسی ها و پژوهشهای علمی بسیاری در زمینه های مربوط به «اکولوژی» صورت می گرفت لیکن، تخریب همچنان پرشتاب ادامه داشت، تا...

آنکه اندیشمندانی بر آن تاختمند؛ حرف آنان، در آغاز تنها زمزمه هایی بود پراکنده، اما به زودی فریاد شد و سرتاسر جهان را فرا گرفت.

به نظر می رسد که همه به فراخور، فاجعه را دریافته اند.

... عرصه ای نوین در جهان گشوده شد.

مناظره اما، به علت تنوع بیم ها و گستره مخاطرات و فراگیری آن، در

چارچوب جدلهای علمی و آکادمیک باقی نماند بلکه، جوامع مختلف را دربر گرفت.

حرکتی تحت این عنوان، همه جا را فرا گرفت که رسالتی جهانی داشت و در ناب ترین سیمای خود، از زلال ترین نیازهای انسانی سرچشمه می گرفت.

جنبشی آغاز شد که مرزها را درمی نوردید، جنبشی که آشکارا «ضدسیاسی» بود و نظم حاکم بر جهان را به تمسخر می گرفت، در قالب های موجود نمی گنجید و شالوده شکنی می کرد.

این جریان، با جاذبه های آرمانی، اذهان بسیاری را در چهارسوی جهان و بخصوص غرب به خود جلب کرد و چنان با سرعت و صلابت دامن گستراند که حتی در دهه های قبل، تصور آن نیز میسر نبود، این روند اینک با قوت تمام و در ابعاد مختلف در حال گسترش است.

دامنه مباحث و تنوع موضوعات و میزان توجهی که در سطح جهان از سوی دولتها به صورت رسمی و از طرف محافل و گروه های غیر رسمی و غیر دولتی و نیز تشکلهای مردمی به آن تثار می شود، حیرت انگیز است، دیگر نمی توان نسبت به آن بی تفاوت بود، عرصه تازه ای است که همزمان هم در سیاست اثر می گذارد، هم در اقتصاد و تجارت و صنعت... هم عرصه داخلی کشورها را به چالش می کشد و هم عرصه بین المللی و بین الدولی را.

واقعیت این است که توجه به محیط زیست تبدیل به «معیار» شده است، معیاری که به زودی بر جهان مسلط خواهد شد.

سخن این است که «زبان» جدیدی در حال تولد است که ظرفیتها، ضرورتها و راه کارهای خود را دارد؛ «زبانی» که از ضروری ترین

زیست‌محیطی را با ایجاد ارتباط بین توسعه و محیط زیست گسترش داد. بر اساس گزارش «فونکس»، «مسائل زیست محیطی، ریشه در فقر و روند صنعتی شدن^۲ دارد.» این گزارش یک نقطه عطف در مسائل مربوط به محیط زیست بین الملل بود؛ دستور کار دیگر نمی توانست در مرزهای «آلودگی هوا» محدود شود.

این حرکت در اجلاس «استکهلم» در سال ۱۹۷۲ قوت بیشتری پیدا کرد. «دکتر مک کورمیک» (J. Mc Cormick) به عنوان یک پژوهشگر مطرح در مباحث زیست محیطی، در مورد مصوبات «استکهلم» گفت: «نگاه این کنفرانس تقریباً تمامی جنبه‌های مباحث را در بر گرفت و محیط زیست گرابی غرب را ناگزیر از رها کردن کوه نظری و آغاز توجه به مسائل محیط زیست، از منظر جهانی کرد»^۳

به دنبال «اعلامیه استکهلم»، «اعلامیه کو کویوک» (Cocoyoc) در سال ۱۹۷۴، تفسیر جامع‌تر و عمیق‌تری در این زمینه عرضه کرد.

چالش جدید که در آغاز از سوی «موريس استرانگ»، «توسعه بوم‌شناسانه» (ecodevelopment)^۴ خوانده شد، سرانجام با عنوان «توسعه پایدار» (sustainable development)، جهانگیر شد. مهم‌ترین نیت در این نام‌گذاری، طرح الگویی برای توسعه بود که برای محیط زیست جهانی زیان‌آور نباشد.

مفهوم «توسعه پایدار» تازه نبود، لیکن کوشش‌هایی برای ارتقاء آن به عنوان توسعه‌ای متناسب با «بوم‌شناسی» از اواسط دهه ۱۹۷۰ آشکارتر شد. این خط فکری در گزارش «برانت‌لند» (Brundt Land) ۱۹۸۷، به صورت بحثی محوری در مناظره محیط زیست درآمد. با تشکیل «کنفرانس سازمان ملل در محیط زیست و توسعه» (UNCED)، سمپوزیوم نوامبر ۹۱ «لاسه» (با همکاری UNCED و برنامه توسعه سازمان ملل UNDP) با حضور ۴۰ نفر کارشناسان برجسته و بویژه با برگزاری «اجلاس کره زمین» در «ریودوژانیرو» (برزیل) با مشارکت بیش از ۱۷۰ کشور و نهاد و بیش از هزار گروه غیردولتی (NGO) در سال ۱۹۹۲ به سرانجام رسید و از آن پس «توسعه و محیط زیست» به صورت «دوروی یک سکه» درآمدند.^۵

این روند از آن زمان به عنوان سرفصلی مهم معرفی شد؛ در واقع گستره‌ای نو، یا داعیه پاسخگویی به مسائل خطیری که «چرخه حیات»، طبیعت و نوع بشر را به مخاطره افکنده است.

«توسعه پایدار» اینک، به عنوان یک مناظره مرکزی، بسیاری از مباحث بین‌المللی را تحت تأثیر قرار داده است.

این گستره نو و «پویا»^۶، اکنون بحثی گریزناپذیر در عرصه جهانی است و هر روز بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد.

«توسعه ناپایدار»، بحران حاکم بر جهان:

جهان آنگونه که هست، نشان از بحران‌های در هم پیچیده بسیار دارد که عمدتاً برآمده از «توسعه ناپایدار» است. درک عمیق این بحران که

نیازهای بشر، «بقا»، منشأ گرفته است و لاجرم دیری نخواهد پایید تا فراگیر شود. محققان، ملتها و دولتهایی که در این عرصه حیاتی و در مرحله شکل‌گیری مشارکت نکنند، لاجرم در دامنه بازتاب‌ها، با آن روبرو خواهند شد، نتایج بر آنان تحمیل خواهد شد.

بدیهی است که در غیبت «ما» در این سوی جهان، کشورها، گروه‌ها و محافل فعال و حساس در آن سوی جهان، در محدوده منافع خود، این جنبش جهانی را منحرف و قالب‌ریزی خواهند کرد و در این صورت تردید نباید کرد که دستاوردهای این تحرک اجتماعی پس از انحراف، شباهت بسیار، به منافع «فردای» آنها خواهد داشت!

در جهان سوم، رسم غالب آن است که در غیبت گروه‌های مردمی، دولتها تنها در آستانه تهدیدات نزدیک و مستقیم از خود تحرک نشان می‌دهند؛ می‌توان تصور کرد که، مثلاً در کمتر از ده سال در سازمان ملل و... یا از سوی سازمان‌ها و گروه‌های غیردولتی، در قطعنامه‌ها و بیانیه‌هایی، کشورهایی به علت بی‌اعتنایی (و شاید دشمنی!) با محیط زیست و عدم رعایت معیارهای «توسعه پایدار»، محکوم شوند (نظیر نقض «حقوق بشر» به خصوص در ربع آخر قرن بیستم) و مثلاً، کمیته‌ای مأمور شود تا بر بهبود شرایط در این کشورهای «خاطی» «نظارت» کند. و... این قصه‌ای است که تکرار می‌شود.

مقدمه:

بحث و مناظره پیرامون محیط زیست بین‌المللی به نخستین سالهای دهه ۱۹۷۰ (سالهای ۱۳۵۰ هجری شمسی) بازمی‌گردد، در حقیقت، توجه جدی به مسائل زیست محیطی، با «کنفرانس سازمان ملل پیرامون محیط زیست انسانی» (United Nation's Conference on the Human Environment, UNCHE) در سال ۱۹۷۲ در «استکهلم» (سوئد) آغاز شد.

کارهای مقدماتی «کنفرانس» و پیگیریهای بعدی، انگیزه‌های جدیدی برای بررسی ابعاد «بوم‌شناختی» روابط بین‌الملل ایجاد کرد.

دستور کار پیشنهادی کشورهای توسعه‌یافته برای اجلاس «استکهلم»، عمدتاً پیرامون «آلودگی هوا» و بهره‌کشی از منابع بود که یکسره علائق کشورهای پیشرفته را نشان می‌داد.

کشورهای در حال توسعه از سوی دیگر و شاید در واکنش به نگاه یکسویه «شمال» در جستجوی مباحثی در زمینه علائق و منافع خود بودند. (بخصوص که در مصوبات «مجمع عمومی سازمان ملل» در دسامبر ۱۹۶۸، اشاراتی به بسیج این کشورها در حیطه محیط زیست شده بود.) آنها به این باور رسیدند که «قانون‌گذاری جدید باید بازتاب سطح نابرابر توسعه باشد، اما بر شالوده حاکمیت برابر»^۱.

برای جلوگیری از یک انشقاق تلخ، به دعوت «موريس استرانگ» (Maurice F. Strong) دبیر کل وقت UNCHE اجلاسی با حضور ۲۷ کارشناس با هدف ایجاد توافق در شهر «فونکس» (Founex) سوئیس تشکیل شد. اجلاس «فونکس» در ژوئن ۱۹۷۱، دستور کار

آیندهٔ حیات بشر و محیط زیست را در کرهٔ زمین به صورت وسیع به خطر افکنده، نیازمند پژوهشی همه‌جانبه است تا ابعاد اسفبار آن روشن شود. تردید نباید داشت که تداوم این روند، بیمار فاجعه‌به‌بار خواهد آورد. آمار و ارقام و مستندات برگرفته از منابع مختلف به‌عنوان «مشتی از خروار»، گوشه‌ای از مسئله و نابسامانی‌ها را تبیین خواهد کرد و راهی خواهد بود برای ورود به بحث:

جمعیت:

- از ۲/۷ میلیارد نفر که در مناطق استوایی و نیمه استوایی جهان زندگی می‌کنند، ۱/۲ میلیارد نفر در فقر مطلق قرار دارند و در سطح جهان ۹۵۰ میلیون نفر (یک پنجم جمعیت جهان) از سوء تغذیه در رنجند.^۷

- اختلاف درآمد ۲۰٪ غنی‌ترین (برخوردار از بالاترین سطح درآمد) به ۲۰٪ فقیرترین (دارای پایین‌ترین سطح درآمد) جمعیت جهان، در سه دهه اخیر ۲ برابر شده و هم‌اکنون نسبت درآمد دو گروه، ۱۵۰ به یک است.^۸

- ۸۵٪ تولید جهانی را ۲۰٪ ثروتمندترین مردمان جهان در اختیار دارند، در حالی که ۲۰٪ فقیرترین مردمان تنها ۱/۴٪ از این حجم را تولید می‌کنند.^۹

- ۴۵٪ از جمعیت جهان، تنها با بهره‌گیری از کمتر از ۴٪ تولید ناخالص ملی زندگی سختی را می‌گذرانند؛ در بالاترین سطح، ۳۵۸ نفر مالک همین درصد از تولید ناخالص ملی جهانند.^{۱۰}

- ۱/۳ میلیارد نفر از مردم جهان ناگزیر از استفاده از آب‌های آلوده‌اند، ۲/۳ میلیارد نفر از امکانات بهداشتی محرومند، ۱/۵ میلیارد نفر با کمبود سوخت برای پخت‌وپز و ایجاد گرما روبرو هستند.^{۱۱}

- جمعیت جهان، در حال حاضر در هر دقیقه ۱۷۰ نفر افزایش می‌یابد و در چهل سال آینده دو برابر خواهد شد.^{۱۲} (براساس گزارش سازمان ملل در سال ۲۰۲۵، ۸۳٪ از ۸/۵ میلیارد نفر جمعیت جهان در کشورهای در حال توسعه زندگی خواهند کرد).^{۱۳}

- در سال ۲۰۳۰، جمعیت جهان در حدود ۹ میلیارد نفر خواهد بود و جمعیت کشورهایی چون اتیوپی، هندو نیجر به ۲ تا ۳ برابر خواهد شد.^{۱۴}

- ۵۰ هزار نفر از مردم هر روز از گرسنگی و تبعات ناشی از آن می‌میرند و در عین حال بسیاری بر اثر مصرف زیاد بیمار شده‌اند.^{۱۵}

- اگر قرار باشد، مصرف انرژی در همهٔ نقاط جهان، معادل میزان انرژی مصرفی در آمریکای شمالی باشد، باید تولید زغال‌سنگ ۲ برابر، نفت ۳ برابر، گاز طبیعی ۷ برابر و نیروگاه‌های هسته‌ای ۶۰ برابر شود.^{۱۶}

- هر آمریکایی بطور میانگین، ۱۱ کیلووات ساعت انرژی در سال ۱۹۹۰ مصرف کرده که این رقم، ۲ برابر مصرف یک ژاپنی، بیش از ۳ برابر مصرف یک اسپانیایی و ۱۰۰ برابر مصرف یک بنگلادشی^{۱۷} بوده است.^{۱۸}

منابع و مواد خام:

- کماکان دو سوم از همهٔ مواد اولیهٔ تولید شده در جهان به کشورهای توسعه‌یافته صادر می‌شود، در حالی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای تأمین ارز مورد نیاز خود، سخت به این صادرات وابسته‌اند. (UNCTAD، ۹۱)^{۱۹}

- مواد اولیه (فراوری نشده) کماکان مهمترین منبع درآمد این کشورهاست: آمریکای لاتین ۶۷٪، غرب آسیا ۸۴٪، اقیانوسیه ۷۶٪ و آفریقای مرکزی ۹۲٪. (UNCTAD، ۹۱)^{۲۰}

- در سال ۱۹۸۹، مواد صادر شده از «جنوب»، اعم از سوخت، اقلام مربوط به جنگل، کشاورزی، شیلات، معدن، مواد خام و فلزات، تنها ۱/۴ از کل تجارت نابرابر جهانی را شامل می‌شد.^{۲۱}

- برای اثبات شرایط نابسامان تجارت جهانی باید اضافه شود که در طول این سالها قیمت واقعی این مواد اولیه پیوسته کاهش یافته است. در مقایسهٔ سالهای ۱۹۷۹-۸۱ و ۱۹۸۸-۹۰ این افت قیمت به صورت میانگین، ۵۰٪ شد،^{۲۲} (جز اقلام نفتی). (UNCTAD، ۹۱)

بر این اساس، در طول این سالها، قیمت مواد اولیه (صادراتی) کشورهای «جنوب» در مقابل کالاهای فرآوری شده (تولیدات) «شمال» نه تنها افزایش نیافت بلکه نیمی (۵۰٪) از ارزش خود را نیز در مقایسه از دست داد و این روند قهقری هم‌چنان ادامه دارد.

- تلاش برای بازپرداخت «دیون»، تأثیر باز هم بدتری، برای کاهش قیمت مواد اولیه در «جنوب» (به علت عرضهٔ بیش از نیاز بازار) داشت. (به علت نیاز شدید به فروش مواد اولیه برای بازپرداخت اقساط «دیون»)

- در سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۹۲ کشورهای «جنوب» در حدود ۲۸۰ میلیارد دلار بیش از آنچه در قالب وام‌های مخصوص جدید و کمک‌های دولتی دریافت کردند، بابت اصل و فرع بدهی‌های خود به بستانکاران «شمالی» پرداختند.^{۲۳}

- عرضهٔ ارزان مواد اولیهٔ طبیعی از سوی «جنوب» نهایتاً، الگوی نامناسب استفاده از منابع طبیعی و (نامتناسب با الگوی «توسعهٔ پایدار») را به همراه دارد و این به مفهوم اتلاف منابع و ویرانی هرچه بیشتر محیط زیست در سرتاسر جهان است.

- ۹۰٪ از تولید «الوار» مناطق استوایی به آمریکا، اروپا و ژاپن صادر و در آنجا فرآوری می‌شود. کشورهای تولیدکننده به صورت میانگین تنها ۹٪ از قیمت نهایی را به دست می‌آورند (آنهم مشتمل بر هزینه‌ها، درآمد دولت و منافع!) و ۹۱٪ قیمت نهایی نصیب کشورهای پیشرفتهٔ یادشده می‌شود. (Oxford Report to ITTO)^{۲۴}

- در حال حاضر کمتر از ۱٪ از ۶۰ میلیون متر مکعب «الوار» مناطق استوایی براساس مناسبات محیط زیستی و «توسعهٔ پایدار» استحصال می‌شود.^{۲۵} در آفریقا در برابر ۲۹ درخت که قطع می‌شود، تنها یک درخت کاشته می‌شود.^{۲۶} از سال ۱۹۵۰ به بعد، جهان در حدود یک پنجم خاک زراعی، یک پنجم جنگل‌های استوایی و دهها هزار نوع از گیاهان و

حاضر بر آورده کند بدون آنکه توانایی نسل‌های آتی را در بر آوردن نیازهای خود به‌مخاطره افکند. (از گزارش «برانت‌لند»)
 «توسعه پایدار» فرآیند تغییری است در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذارها، سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییری نهادی است که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. («کمسیون جهانی محیط زیست و توسعه» (WCED)

دکتر «اینیاسی زاکس» (Ignacy Sachs) بر این باور است که «دستور کار همواره یکی است، صرفه‌جویی در منابع کمیاب و تدبیر بسیار در استفاده از منابع فراوان». ۳۹

به هر صورت، اگر منظور از توسعه، گسترش امکانات زندگی انسانهاست، پس ناگزیر باید با نگاهی به آینده، ابعاد آن ترسیم شود. در «توسعه پایدار»، اگر چه توجه به محیط زیست یک مفهوم محوری است، اما تنها در حفاظت از محیط زیست خلاصه نمی‌شود، بلکه مفهوم تازه‌ای از «رشد اقتصادی» است.

«رنه دوبو» (Rene Dubos)، در زمینه مفهوم «توسعه پایدار» از «رابطه متقابل انسان و زمین» یاد می‌کند و از «دو مبارزه» سخن می‌گوید:
 «۱- مبارزه با آنان که بر اساس سنت کلاسیک، توسعه را بدون توجه به بوم‌مداری دنبال می‌کنند؛

۲- مبارزه با کسانی که بر اساس دیدگاه محافظه‌کارانه، هر گونه دخل و تصرف در طبیعت را ممنوع می‌دانند». ۴۰
 در این مناظره بین‌المللی، توسعه اقتصادی «فرآیند بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی همه مردمان است و «مایکل تودا» اعتقاد دارد: «رشد اقتصادی فرآیند پایداری است که در اثر آن، ظرفیت‌های تولید اقتصادی، طی زمان افزایش می‌یابد و سبب افزایش سطح درآمد ملی می‌شود». ۴۱ با این مفهوم، «رشد اقتصادی» عبارت از رشدی است که عدالت و امکانات زندگی را برای همه جمعیت جهان (و نه تعداد اندکی از آنها) طلب می‌کند بدون آنکه به تخریب بیش از ظرفیت منابع طبیعی محدود جهان بینجامد. واقعیت این است که بحران زیست‌محیطی در زمانه ما ابعاد فاجعه‌آمیزی به خود گرفته که بی‌اعتنایی به آن ویرانی و اضمحلال کل فضای زیستی کره زمین را به دنبال خواهد آورد. به این دلیل، درک صحیح ابعاد فاجعه، نقشی اساسی در دستیابی به راه‌کارها خواهد داشت و از همین جهت است که «رنه دوبو» از «دو مبارزه توأمان» سخن می‌گوید.

در همین زمینه، یک جریان نیرومند (بخصوص در دهه ۱۹۷۰) با هراس از پیامدهای ناگوار زیست‌محیطی، تلاش کرد نشان دهد که بشریت جز با توقف رشد نمی‌تواند از فاجعه جلوگیری کند. اعضای این گروه از آن جهت که «رشد صفر» را در جهان تبلیغ می‌کردند، «صفرگرایان» نامیده شدند. ۴۲ «صفرگرایان» در پاسخ به بحران ویرانگر زیست‌محیطی که کلیت حیات بشر را به مخاطره افکنده، و برای کنترل ابعاد آن، از روی سرگشتگی «رشد صفر» را چاره‌ساز تصور کردند! این گروه بعداً، به دسته‌های گوناگونی چون طرفداران رشد صفر جمعیت،

جانوران خود را از دست داده است. ۲۷.

- ۸۰ تا ۹۰ درصد همه مواد مربوط به استانداردهای زندگی در زیست‌کره، به‌وسیله کشورهای صنعتی توسعه یافته کنترل می‌شود. ۲۸
 - ۹۵٪ گاز CFC که لایه ازن را از بین برده است از سوی کشورهای صنعتی تولید شده ولی محیط زیست همه جهان را تحت تأثیر قرار داده است (این موضوع در «پروتکل مونترال» نیز مورد بحث قرار گرفته است). ۲۹

- هر سال، ۶ میلیون تن نفت در اقیانوس‌ها تخلیه می‌شود. ۳۰
 از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۶۷ که ریختن پس‌مانده‌های اتمی به دریا غیرقانونی شد، تخمین زده می‌شود که ۹۰/۰۰۰ تن زباله هسته‌ای با سطح رادیواکتیو یک میلیارد «کوری» (Curies) به دریا ریخته شده است. (World Resources) ۳۱

وزیر تجارت «گینه بیسائو» اعتراف کرده که این کشور با دریافت ۶۰۰ میلیون دلار اجازه داد ۱۵ میلیون تن مواد زائد خطرناک به این کشور انتقال پیدا کرد! او گفت: «ما محتاج پول هستیم!» ۳۲
 - کشورهای صنعتی با داشتن یک پنجم جمعیت جهان، ۷۰٪ انرژی جهان، ۷۵ درصد فلزات، ۸۵٪ چوب و ۶۰٪ مواد غذایی جهان را مصرف می‌کنند. ۳۳

- اگر کشورهای جنوب به‌همین مقدار مصرف کنند، ۱۰ برابر میزان کنونی سوخت و ۲۰۰ برابر مواد معدنی مورد نیاز است. ۳۴
 - کشورهای شمال ۸۵٪ درآمد جهان را به خود اختصاص داده‌اند. ۳۵
 - سیاست کشورهای صنعتی در مورد حمایت از محصولات داخلی باعث زیان کشورهای جهان در حال توسعه شد؛ این زیان در بخش کشاورزی ۱۰۰ میلیارد دلار و در نساجی ۵۰ میلیارد دلار برآورد شده است. ۳۶
 صادرات گوشت به آمریکا با توجه به قیمت‌گذاری و ممنوعیت واردات که منجر به ارزیابی قیمت آن شد، از سال ۱۹۶۰ یکی از مهمترین دلایل از بین رفتن جنگل‌های مناطق آمریکای مرکزی و بخصوص مکزیک بوده است. ۳۷

- و...
 - آب شیرین ۸۵ درصد وزن جانوران و گیاهان را تشکیل می‌دهد و حیات بدون آن قابل تصور نیست. ۳۸
 بسیاری بر این باور بودند که علت اصلی بسیاری از مناقشات بین‌المللی در قرن ۲۱ (دستکم در بخشی از جهان) آب خواهد بود. آب شیرین به‌علت اهمیت، به‌صورت سرفصلی مهم در عرصه مباحثات محیط زیست و... درآمده است و هر روز از ابعاد مختلف مورد بحث و بررسی کارشناسانه قرار می‌گیرد.

«توسعه پایدار»، مناظره محوری در جهان:

«توسعه پایدار» چیست؟

«توسعه پایدار» عبارت است از توسعه‌ای که نیازهای جهان را در حال

رشد صفر اقتصادی، رشد صفر آلودگی، رشد صفر انرژی‌های تجدیدپذیری و... ۴۳ تقسیم شدند و هر دسته به نوعی به استدلال در این عرصه پرداخت. این گروه، به اعتباری، در هر اس از فاجعه، راه به انحراف برد.

دکتر زاکس که در این نوشتار، بارها بر اندیشه او تأکید شده در این زمینه می‌گوید:

«در حقیقت تنها یک هرج و مرج وسیع می‌تواند مقوله عدم رشد را به عنوان یک مزیت مطرح کند؛ این معنی همچنین فروپاشی کامل چشم‌انداز ایدئولوژیک دو قرن اخیر را در پی خواهد داشت».^{۴۴}

چاره در «رشد صفر» نیست و چه بسا که در شرایط نامناسب «رشد صفر» زیانبارتر از رشد سریع در شرایط مناسب باشد. چاره آن است که راه کارهای «توسعه پایدار» به تجربه و استدلال بازشناسی شود.

واقعیت آن است که با توجه به «فناپذیری کره زمین»، «رشد نامحدود» مادی نمی‌تواند برای همیشه پایدار بماند. اگر می‌خواهیم از کاهش جبران‌ناپذیر سرمایه طبیعی پرهیز کنیم، باید مراقب تولید انرژی، مقدار آن و مواد اولیه باشیم.

مسئله اصلی در اینجا، انتخاب بین توسعه و محیط زیست نیست، بلکه گزینش بین آشکال توسعه است؛ توسعه‌ای که به مسائل زیست‌محیطی توجه دارد و آشکالی از توسعه که نسبت به آن بی‌اعتناست.

بر خورد کشورهای صنعتی بر مصرف «شمال» از آغاز با این موضوع کوته‌نظرانه و تنها بر محور «آلودگی» استوار بوده است. «گزارش فونکس» و حضور فعال پاره‌ای از کشورهای در حال توسعه در مباحثات «کنفرانس استکهلم»، سرانجام نوعی واقع‌بینی را در مصوبات این «کنفرانس» پدید آورد. استدلال گزارش «فونکس» چنین بود که «مسائل زیست‌محیطی ریشه در فقر و روند صنعتی شدن دارد»؛ به این ترتیب، گزارش مزبور نقطه عطفی را در تعریف مسائل محیط زیست بین‌المللی ثبت کرد. دستور کار محیط زیست دیگر نمی‌توانست در مرزهای «آلودگی» توقف کند، بلکه موضوعات گسترده‌ای را در بر می‌گرفت و اصولاً «رفاه انسان» را مورد توجه قرار می‌داد. محیط زیست دیگر یک مانع در برابر توسعه تلقی نمی‌شد، بلکه به عنوان یک بخش ضروری در این روند به حساب می‌آمد. «موریس استرانگ» دبیر کل وقت UNCHE، در سال ۱۹۷۲ گفت:

«کشورهای جنوب به‌ویژه کشورهای کم‌توسعه [یافته]، قربانیان جهانی شدن اقتصادند بدون آنکه از آن سود برده باشند»^{۴۵} و این یک حقیقت غیرقابل انکار بود.

حیاتی بودن محیط زیست و اوج‌گیری حساسیت‌های جهانی نسبت به تخریب آن، باعث شد تعداد کشورهای در حال توسعه دارای سازمان محیط زیست از ۱۱ کشور در سال ۱۹۷۲ به ۱۰۲ کشور در سال ۱۹۸۰ برسد.^{۴۶}

در همین زمینه، مناظره زیست‌محیطی، و مشارکت فعال کشورهای در حال توسعه در آن، برای «جنبش عدم تعهد» و نیز «گروه ۷۷»، فرصت‌های مناسبی برای انجام ابتکارات به‌وجود آورد. «عدم تعهد» جنبشی عمدتاً سیاسی بود که در برابر قطب‌های نظامی جهان شکل گرفته بود و «گروه ۷۷» نتیجه تلاش کشورهای در حال توسعه برای ایجاد تغییر در ساختار نامتعادل اقتصاد بین‌المللی بود. در این زمینه آقای «آنور» رئیس «گروه ۷۷» گفت:

«مشارکت در حفظ محیط زیست و منابع جهانی شرط مقدم استقرار عدالت اقتصادی بیشتر برای کشورهای در حال توسعه است و در نبود آن، این کشورها، نه‌توان و نه‌علاقه‌ای به مشارکت در تلاش کشورهای صنعتی برای حفظ کره زمین دارند».

به این ترتیب «توسعه پایدار» مفهوم گسترده‌ای یافت که همه جوانب زندگی انسانها را در بر می‌گرفت و در فرآیند آن سیاستها در زمینه اقتصاد، مالیه، بازرگانی، تکنولوژی، منابع طبیعی، آموزش، بهداشت، صنعت و... به گونه‌ای طراحی می‌شود که توسعه اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی را تداوم بخشد.

پایداری «زیست‌کره»، دیگر مسئله‌ای صرفاً «بوم‌شناسانه» یا یک معضل اجتماعی یا مسئله‌ای اقتصادی نبود، بلکه، «ترکیبی فشرده از هر سه» بود.^{۴۷}

بر این اساس، «توسعه پایدار» در اوایل دهه ۱۹۷۰ در پاسخ به سهولت خود را نه تنها به عنوان یکی از چالش‌های اصلی، بلکه به عنوان نقطه‌ای کانونی برای مناظره در مورد بسیاری از مسائل موجود در دوران «بی‌نظمی کنونی جهان» مطرح کرد.

از چشم‌انداز دیگر، سرعت در گسترش «توسعه پایدار» در مباحث و مناظرات بین‌المللی، بویژه در سازمان‌های بین‌المللی، تأکیدی باز هم بیشتر بر کلیدی بودن این مفهوم در سده بیست و یکم است.

از «فونکس» ۱۹۷۱ تا «اجلاس ریو» در ۱۹۹۲ و از آن زمان تاکنون، گفتگوهای پیرامون این مفهوم بسیاری از مباحث ظاهراً نامربوط در گذشته را تحت الشعاع قرار داده است و به نظر می‌رسد که نهادی تحت این عنوان در عرصه بین‌المللی در حال تولد است.^{۴۸}

«توسعه پایدار» و جهان سوم:

کشورهای فقیر، یکسره با مشکلات زیست‌محیطی مضاعفی روبرو هستند؛ منابع در این کشورها با وحشیانه‌ترین شیوه‌ها چپاول می‌شود و تنها بخش ناچیزی از «قیمت نهایی» نصیب این کشورها می‌شود. اقتصاد وابسته، نامتوازن و سراپا مقروض، عملاً شرایط بسیار اسفناکی برای این کشورها تحمیل کرده است. آنها به صورت وسیع به صدور مواد خام به عنوان تنها امکان کسب درآمد ارزی وابسته‌اند و کشورهای صنعتی با در اختیار داشتن بازارهای بزرگ مواد اولیه، عملاً سیستم قیمت‌گذاری این مواد را تحت کنترل دارند. به این ترتیب، مواد خام «جنوب» تقریباً

زمین»، «جنگل زدایی» و... خلاصه نمی کنند. در همین زمینه بسیاری از اندیشمندان از جمله «پروفسور زاکس» استدلال می کنند که: «رفاه جهانی» اگر به معنای مسئولیت مساوی «شمال و جنوب» گرفته شود، گمراه کننده است. «آلودگیهای ناشی از بقا» و «آلودگیهای ناشی از فراوانی» را نمی توان یکسان تلقی کرد^{۵۰} و این مفهومی است که در استنادات و استدلالهای «جنوب» نقش محوری پیدا کرده است.

کشورهای جهان سوم از همان آغاز و در «اجلاس فونکس» به نیکی دریافته اند که با قوت و تواناییهای اقتصادی، سیاسی، صنعتی، مالی و... نیز مواضع نسبتاً یکپارچه «شمال» در مقابله با بحران زیست محیطی، ابتکارهای فردی راه به جایی نخواهد برد. از این رو استفاده از ابزارهای مختلف برای هماهنگ کردن مواضع این کشورها در دستور کار قرار گرفت. بدیهی بود که «جنبش عدم تعهد» و بعداً «گروه ۷۷» در این شرایط بستر مناسبی فراهم می آورند و اصولاً بخشی از عقب نشینیهای «شمال» در برابر واقعیتها، در پر تو همین روند و هماهنگی مواضع «جنوب» صورت گرفت.

از آغاز، در کنار اندیشه وورزانی مصلح که با درک صحیح وخامت اوضاع، راه کارهای عادلانه را مطرح می کردند، کسانی نیز در برخوردی تنگ نظرانه و تحقیر آمیز نسبت به «جنوب»، نجات «شمال» و نه کل فضای زیستی کره زمین را مورد تأکید قرار می دادند.

پاره ای از این نظریه پردازان، گاه حتی به نام «دفاع» از مشارکت «جنوب»، و در واقع در تعمیم و تکمیل روابط ناعادلانه، به تحقیر و تضعیف پیوند ائتلافهای نه چندان استوار «جنوب» پرداختند. «مارک ویلیامز» در مقاله ای با نگاه انسانی از «جنس برتر»! و برخوردی تحقیر آمیز، در پوشش «دفاع از ائتلاف جهان سوم» می نویسد: کشورهای جهان سوم به مدد این ائتلافها (عدم تعهد و گروه ۷۷) می توانند «اطمینان به شکست همیشگی در تمام مسائل را به احتمال پیروزی گاه و بیگاه تبدیل کنند». یا اینکه «با هر درجه از اطمینان نمی توان ادعا کرد که این دو سازمان، آثار مثبتی بر برخی پیامدها گذاشته اند».^{۵۱}

«ویلیامز» در همین مقاله می نویسد اگر «جنوب» بر اساس «توسعه پایدار» حرکت کند «تلاشهای شمال برای حفاظت از محیط زیست» خود (شمال یا غرب) و نه، همه زیست کره را، بی اثر می کند چرا؟! زیرا، «در موارد بسیاری از جمله انتقال مواد زائد خطرناک، شمال به منابع جنوب نیازمند است».^{۵۲}

مطالبی از این دست تداعی کننده برخوردی غیر انسانی و استعمار گرانه است و نمی تواند صرفاً در چارچوب ارائه يك نظریه، در مباحثه ای علمی مورد استناد قرار گیرد.^{۵۳}

در همین راستا، پیشنهاد تعجب برانگیز ارلیخ (Erlich) می تواند مطرح باشد. پیشنهاد او دایره بر اینست که «روند صنعتی شدن در آفریقا (تا هنگام رها شدن کشورهای ثروتمند از شر صنعت) متوقف و این قاره تبدیل به سرزمینی به عنوان ذخیره تنفسی و تفریحی مابقی جهان شود» با

رایگان در اختیارشان قرار می گیرد. (انحصار یا monopoly خریدار) کشورهای جهان سوم به دلیل نیاز، خود را ناگزیر از تمکین در این مبادله ناعادلانه می بینند. از طرفی، اقتصاد مقروض این کشورها و لزوم پرداخت این وامها، آثار غیر قابل انکاری در کاهش بیشتر قیمت مواد اولیه داشته و دارد. بی گمان، این روند ناعادلانه در صورت تداوم با ناپودی کشورهای فقیر و ویرانی محیط زیست جهانی همراه خواهد شد. تصمیم گیرندگان در جهان سوم در بسیاری موارد احساس می کنند که بوسیله سیستم مسلط جهانی به حاشیه رانده شده اند.

از سوی دیگر، کشورهای «شمال» آلودگیهای محیط زیست را متوجه همه کشورهای می دانند و سهمی نسبتاً برابر برای همه در نظر می گیرند، در حالی که کشورهای «جنوب» به درستی بر این نکته پافشاری می کنند که «روند صنعتی شدن کشورهای پیشرفته، دلیل قطعی بحران زیست محیطی کنونی است». این استدلال «جنوب» به علت قوت، در سازمانهای بین المللی زمینه های قابل ملاحظه ای پیدا کرده و کشورهای صنعتی را به عقب نشینی هایی واداشته است، هر چند این عقب نشینیها با ویرانیهای ناشی از عملکرد استعماری آنها به هیچ وجه متناسب نیست.

کشورهای جهان سوم، با شرکت در مباحثات مربوط، تلاش کردند مواضع خود را بر پایه چند نکته مورد توافق سامان دهند:

۱- توسعه اقتصادی کشورهای ثروتمند، علت اصلی مسائل و معضلات زیست محیطی و آلودگیهای جهانی است. بنابراین کشورهای مزبور باید سهم اصلی را در تأمین هزینه های پاکسازی و سالم سازیها بر عهده گیرند؛

۲- هر اقدام اصلاحی اتخاذ شده، نباید در برابر چشم انداز توسعه جهان سوم مانع تراشی کند. پیشرفت جهان صنعتی در برهه ای صورت گرفته که هزینه های زیست محیطی در خدمات و کالاها منعکس نشده بود. بنابراین حرکت به سوی قیمت گذاری زیست محیطی می تواند در مسیر توسعه جهان سوم مانع ایجاد کند و از این جهت ناعادلانه خواهد بود، مگر آنکه از طرف کشورهای پیشرفته صنعتی غرامت پرداخت شود؛

۳- اگر انتقال تکنولوژی متناسب با محیط زیست، بدون هزینه یا هزینه کاهش یافته نباشد، «جنوب» ناگزیر به استفاده از تکنولوژی زیان آور خواهد بود؛

۴- انتقال تجارب و مهارت ها و وسایل لازم برای حفاظت محیط زیست، از جمله مهمترین ضرورتهاست.

شایسته ذکر است که در مصوبات مجمع عمومی سازمان ملل متحد این ضرورت تحت عنوان ODA (Official Development Assistance) آورده شده است.^{۴۹}

بر اساس موارد فوق، کشورهای جهان سوم، تعریف گسترده تری برای «توسعه پایدار» در نظر می گیرند و موضوع را در «گرم شدن کره

اعتراض و نفرت شدید آفریقاییان روبرو شد. ۵۴ نظریاتی از این دست، به دلیل تنگ نظری و نگرش تعصب آلود و یکسویه بی تردید پذیرشی در «جنوب» نخواهد یافت و بنابراین راه به جایی نخواهد برد.

از منظری دیگر، جهان سوم در چشم انداز داخلی نیز با دشواری‌های بسیار روبرو است. اقتصاد نامتوازن کشورهای «جنوب»، شرایط ناعادلانه اعمال شده از سوی سیستم مسلط جهانی را ناعادلانه تر کرده است. با توجه به درآمد سرانه به مراتب پایین تر کشورهای جهان سوم «برگزیدگان محلی» که در ارتباط با بازرگانان و طرفهای خارجی هستند برای بر خورداری از یک زندگی قابل مقایسه با سطح زندگی هم‌تایان خود در اروپا و آمریکا (که غالباً بر آن اصرار دارند) سهم بیشتری از درآمد عمومی را به ضرر سهم کارگران و کشاورزان و... به خود اختصاص می دهند. نتیجه این فرآیند در فرمول زیر انعکاس پیدا می کند:

«رشد صنایع مربوط به اقلیت مرفه ← اشباع ← رکود ← اعطای وام و امتیازات ← تشدید تورم». ۵۵ این روندی است که بارها پیش آمده و ظاهر آقرار است این تجربه مرتباً تکرار شود!!

شایسته ذکر است که کمک‌ها و توصیه‌های «بانک جهانی» نیز در این زمینه در حیطه منافع «شمال» و در تداوم و تکمیل آن بوده و عمدتاً در مسیر مخدوش کردن رشد اقتصادی «جنوب» و ترجیح منافع غیربومی حرکت کرده است. ۵۶

در این عرصه همچنین، ملتهای فقیر از راه استفاده افراطی از منابع محدود برای لقمه‌ای نان، با قطع اشجار و تعلیف بی‌رویه، به تخریب محیط زیست می پردازند. چگونه می توان آنها را از حداقل‌ها محروم کرد و «آیش» و «اصلاح خاک» و... را مطرح کرد؟! به اعتباری، در پرتو رشد ثروت و ثروتمندان و رشد فقر فقیران، نمی توان به یک «روابط هماهنگ بین انسان و طبیعت رسید». ۵۷

راه کارها و نتیجه:

بحران محیط زیست در جهان امروز، اسفبار اما واقعی است. گزارشهای ارائه شده پیرامون ابعاد تخریب محیط زیست جهانی که گوشه‌هایی از آن در این نوشتار به بحث گذاشته شد، تکان دهنده است. بی توجهی و کم توجهی به این معضل جهانی، آثار غیرقابل جبرانی در تداوم حیات بشری بر جای خواهد گذاشت و ناگزیر به کار بستن روشهای گوناگون و راه کارهای مبتنی بر «توسعه پایدار» در عرصه‌های مختلف کشاورزی، صنعت و... ضرورتی غیر قابل اجتناب است.

عمده ترین راه کارهای پیشنهادی، بر اساس مباحث طرح شده در این نوشتار، می تواند به صورت زیر جمع بندی شود (بدیهی است که می توان موارد دیگری هم بر آن افزود و اصلاحاتی نیز اعمال کرد):

۱- منابع زیست محیطی و منابع طبیعی و مواد اولیه با توجه به کمبودشان، باید به درستی قیمت گذاری شوند. قیمت گذارها باید با اعمال هزینه‌های «توسعه پایدار» (در قیمت نهایی محصول) صورت

پذیرد (Environmentally Commodities). بدون برخورد بایسته با این مسئله، عملاً در «چرخه‌ای» از ویرانی محیط زیست قرار خواهیم داشت.

کاملاً آشکار است که، قیمت ارزان منابع طبیعی، الگوهای مصرف مسرفانه و ضایعات زیاد و مخرب برای محیط زیست را تشویق می کند. و لذا، بدیهی است که قیمت گذاری منصفانه منابع طبیعی و متناسب با الگوهای «توسعه پایدار» این «چرخه شوم» را اصلاح خواهد کرد.

۲- بهره گیری از تکنولوژی‌های «تمیز» یا کم ضایعه و هماهنگ با طبیعت (Environmentally Friendly Technologies) در دستیابی به معیارهای «توسعه پایدار»، بدون تردید یک ضرورت اولیه است. تشویق استفاده از تکنولوژی‌های «ایمن» و عاری از آسیب‌های زیست محیطی در برنامه‌های توسعه در کشورهای جهان سوم باید مورد تأکید قرار گیرد. این تکنولوژی‌ها نمی تواند باروشهای «تومر کانتلیستی» به «جنوب» انتقال یابد، بلکه باید با تسهیلاتی از طرف «شمال» و اصولاً جامعه جهانی همراه باشد.

این ابتکار می تواند برای حفاظت از «زیستکره» کاملاً مؤثر باشد، زیرا در این صورت «جنوب» برای تأمین حداقل‌های مورد نیاز خود، ناگزیر از استفاده از تکنولوژی‌های زیانبار برای محیط زیست نخواهد بود.

۳- تکیه بر آموزش و ارائه اطلاعات گسترده مستمرا در زمینه خسارت‌ها و بخصوص تبعات جبران ناپذیر ویرانی محیط زیست در سطح کشورها و بخصوص در مدارس بسیار اهمیت دارد. در این زمینه بخصوص «یونسکو» برنامه‌هایی داشته است. ۵۸

آشکار است که نهادهای «توسعه پایدار»، در آینده، در گرو موفقیت آموزش انسانها بویژه کودکان است. ۵۹

۴- استفاده از سوخت‌های جایگزین. ۶۰

۵- کسانی که محیط زیست را آلوده کرده و می کنند، باید خسارت آن را نیز بپردازند.

۶- موارد و موضوعات مطرح در دستور کار توسعه پایدار، نمی تواند در بندهای محدود «شمال» خلاصه شود؛ لازم است با تعریفی جامع، تمامی علائق حیات بشری را شامل شود.

۷- سیاست‌های بهینه‌سازی کاشت، داشت و برداشت محصولات کشاورزی، اهمیت بسیار خواهد داشت.

۸- مسئله تبدیل بدهی‌های جهان سوم^{۶۱} به سرمایه گذاری و در صورت امکان بخشیدن مشروط این بدهی‌ها در جهت تشویق «توسعه پایدار» (بر اساس مصوبات سمپوزیوم لاهه در ۱۹۹۱).

۹- وضع مالیات‌هایی بر تجارت و مبادلات جهانی در جهت ایجاد صندوقی برای تأمین هزینه‌های لازم، در عین پرهیز از تحمیل مقررات یکسویه به منظور تداوم مبادلات ناعادلانه موجود و به زیان کشورهای جهان سوم. ۶۲

آرمان تنها با شناخت ساختار شوم و نامتعادل اقتصاد بین‌المللی و درک ضرورت‌های رهایی از آن دستیافتنی خواهد شد.

«کشورهای جنوب، قربانیان جهانی شدن اقتصادند، بدون آنکه از آن سود برده باشند» و در واقع ویرانی «جنوب» نتیجه رشد اقتصادی و آبادانی در «شمال» است و طرح مسئله «مسئولیت مساوی شمال و جنوب» گمراه‌کننده خواهد بود.

در نخستین مرحله، اصلاح نظام مبادله کالا در جهان مطرح است. در این صورت مبادلات با توجه به هزینه‌های متصور به‌عنوان «مواد متناسب با محیط زیست» (Environmental Commodities) به‌درستی قیمت‌گذاری خواهد شد.

در حقیقت، «روابط هماهنگ بین انسان و طبیعت» از روابط متعادل‌تر بین انسان‌ها سربرمی‌آورد. «همبستگی عمودی» با نسل‌های آینده، جز در پرتو «همبستگی افقی» با نسل حاضر معنایی نخواهد داشت و تنها با درک عمیق و مشفقانه این مفهوم از سوی تمامی کشورهای جهان است که طبیعت و محیط زیست و کره خاکی به‌روی همه انسانها آغوش خواهد گشود.

پیوست:

«توسعه پایدار» در روند بین‌المللی (تولد یک نهاد):

«اجلاس فونکس» ۱۹۷۱، «اعلامیه استکهلم» و اعلامیه کوکویوک ۱۹۷۴، موضوع «توسعه پایدار» را دامن زدند و با توجه به ظرفیت‌های این مناظره، هر سال بر گسترده‌گی آن افزوده شد.

در گزارش «برانت‌لند»، «توسعه پایدار» محور مناظره در باره محیط زیست شد که نهایتاً با اجلاس «کره زمین» (Earth Summit) و اعلامیه «ریو» (Rio Declaration) محیط زیست و توسعه به‌عنوان یک سیستم یکپارچه مورد توجه قرار گرفت.

مهم‌ترین مصوبه اجلاس UNCED در سال ۱۹۹۲ در «ریو»، «دستور کار ۲۱» (Agenda 21) بود که نهایتاً همراه با دیگر تصمیمات این اجلاس در «مجمع عمومی سازمان ملل» در ۱۹۹۲ تصویب شد و به صورت «برنامه کار سازمان ملل برای قرن ۲۱» درآمد.

اجلاس «ریو» بیست سال پس از «اعلامیه استکهلم»، با حضور نمایندگان ۱۷۶ کشور و دهها سازمان بین‌المللی و ۳۵ سازمان بین‌الدولی منطقه‌ای و بیش از هزار و پانصد سازمان غیردولتی (NGO's) به صورت یکی از اساسی‌ترین جلوه‌های علائق مردم سراسر جهان درآمد. ۶۶ بر اساس اعلامیه «ریو»:

«در توسعه پایدار، انسان مرکز توجه است و انسانها هماهنگ با طبیعت، سزاوار حیات توأم با سلامت و سازندگی هستند»؛

«توسعه حقیقی است که باید به صورت مساوی نسل‌های کنونی و

آینده راز بر پوشش قرار دهد»؛

«حفاظت از محیط زیست، بخشی جدانشدنی از توسعه است و

۱۰- «مدیریت توسعه پایدار» در این عرصه اهمیت بسیار دارد. این مدیریت مبتنی است بر استفاده کمتر از منابع، استفاده کمتر از انرژی و «بار آوردن» ضایعات کمتر.

۱۱- اعمال نظارت دائمی بر فعالیت‌ها، پس از تأمین موارد فوق. تحقق موارد فوق و اجماع و هماهنگی جهانی پیرامون آنها، زمینه‌های مناسبی برای گسترش «توسعه پایدار» ایجاد خواهد کرد. اما رهیافت «تئولبرال» حاکم بر جهان، «توسعه پایدار» را بر پایه ترغیب مزیت‌های نسبی بازار و تجارت آزاد تبلیغ می‌کند^{۶۳} و بر این نظر است که موازنه‌های لازم، با حداقل مدیریت سیاسی تحقق خواهد یافت، در حالی که بدون درکی عمیق از حیات بشر و محیط زیست و اعمال سیاست‌های حمایتی، سیاست «تئولبرال» نتیجه‌ای جز تداوم و تعمیق ویرانی به‌بار نخواهد آورد. کشورهای «جنوب» به علت نیاز شدید به درآمد ارزی و در رقابتی غیراصولی با یکدیگر (و در واقع به نفع «شمال») مواد خام را حتی زیر قیمت‌های ناعادلانه، به بازار عرضه می‌کنند. در صورت تداوم این روند، اصولاً امکانی برای بازسازی محیط زیست و اعمال روشهای توسعه پایدار باقی نخواهد ماند.

در شرایط کنونی در «شمال» از «سطح زندگی» صحبت می‌شود، اما در «جنوب»، «حیات» مسئله است. در آنجا از «داشتن» سخن گفته می‌شود و در «جنوب» از «بودن»^{۶۴}؛ در صورت ادامه سیاست‌های «تئولبرال» آینده بهتری برای جهان متصور نخواهد بود.

به این ترتیب، پاسخ خردمندانه به نگرانی‌ها، «رشد صفر» نیست؛ چه بسا نرخ رشدی برابر صفر، همان قدر برای محیط زیست زبان آور باشد که رشد سریع. دور نگاه‌داشتن آفریقا یا... از روند توسعه، حساسیت نسبت به مخاطرات زیست‌محیطی در بخشی از جهان (شمال) و بی تفاوتی نسبت به «جنوب» و دیگر راه‌حل‌های انحرافی و غیر منصفانه، مسلماً راه به جایی نخواهد برد. توسعه حق همه ملت‌هاست و راه کارهای تنگ‌نظرانه و یکجانبه غربی ثمری به بار نخواهد آورد. چاره، تنها در پرتو نگرشی عادلانه و یکپارچه به قانونمندیهای «توسعه پایدار» در سطح کشورها و مناطق و کل فضای زیستی کره زمین (بدون هرگونه تبعیض) به دست خواهد آمد.

با مدافعه در توانایی‌های بالقوه نهفته در طبیعت، جایی برای هراس از تداوم حیات بشری و بقا وجود ندارد،^{۶۵} مشروط به آنکه در همه مراحل، موازین و معیارهای «توسعه پایدار» به صورت اساسی در سرتاسر گیتی رعایت شود. اگر بیمی هست که هست، ثمره بی‌اعتنایی به محیط زیست و اصول «حفاظت سبز» است.

«رمز و راز» این مسئله آن است که همگان دریابند چه در «شمال» و چه در «جنوب» در یک «زیست‌کره» قرار گرفته‌اند و لاجرم سرنوشتی مشترک دارند.

بر این اساس، تنها با تلاشی هماهنگ و همه‌جانبه می‌توان به بازسازی ویرانیه‌ها پرداخت و به مفهوم «رفاه جهانی» نزدیک شد و این

نمی تواند به صورت جداگانه مورد بررسی قرار گیرد»؛^{۶۷}

- کشورها، در یک حرکت جمعی باید از سلامت و یکپارچگی نظام طبیعی کره زمین حراست کنند؛

- با توجه به سهم متفاوت در آلودگی محیط زیست، کشورها مسئولیت مشترک ولی متفاوتی در این زمینه دارند.

در اعلامیه «ریو» افزون بر ضرورت انتقال تکنولوژی برای تشویق «توسعه پایدار»، بر لزوم از بین بردن الگوهای نامتناسب با «توسعه پایدار» تأکید شده است و صلح، توسعه و حفاظت از محیط زیست جدانشدنی اعلام شده است.

دستور کار ۲۱

با اشاره به اینکه انسان در جهان معاصر با فقر رو به تزاید، گرسنگی، بیماری، بی سواد و زوال مداوم محیط زیست مواجه است، آمده است که «دستور کار ۲۱»، بازتاب وفاق و تعهد سیاسی مقامات عالی رتبه برای همکاری در زمینه توسعه محیط زیست است. این اعلامیه با طرح مفاهیم کلی نظیر تغییر الگوی مصرف، تأمین نیازهای اساسی ملل فقیر، کاستن از مواد زائد و استفاده بهینه از مواد، بر لزوم حفاظت از محیط زیست کوهها، دریاها، جزایر و جنگلها تأکید می کند.

در بخش چهارم این اعلامیه، هزینه اجرایی «دستور کار ۲۱» در کشورهای در حال توسعه برای سالهای ۲۰۰۰-۱۹۹۳ بیش از ۶۰۰ میلیارد دلار در هر سال (ولاجرم در حدود ۵۰۰۰ میلیارد دلار برای این سالها!) تخمین زده شده است.^{۶۸}

مصوبات اجلاس «ریو» و «دستور کار ۲۱» در مجمع عمومی در سال ۱۹۹۲ به تصویب رسید.

«موريس استرانگ» که در حال حاضر دبیر کل کنفرانس سازمان ملل در مورد محیط زیست و توسعه (UNCED) است، در پیش درآمدی بر مصوبات نهایی «اجلاس زمین»، از تلاش برای شکل دادن به «دومین انقلاب صنعتی» یاد می کند که مبتنی است بر اصول زیست محیطی (Eco - Revolution) و برای قرار دادن جهان آینده در مسیری «به مراتب امن تر، پایدار تر و عادلانه تر ضروری است».^{۶۹}

شایان ذکر است که در مباحث اجلاس «ریو» و مجمع عمومی در نیویورک، کشورهای در حال توسعه بر این نکته اصرار داشتند که آلودگی کنونی محیط زیست جهانی ناشی از دوران صنعتی شدن کشورهای توسعه یافته است، لذا هزینه نوسازی محیط زیست جهانی باید از سوی این کشورها تعهد شود. در حالی که کشورهای پیشرفته، تمایلی به قبول این مسئولیت نداشتند. ۷۰ در همین سال (۱۹۹۲) مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ای خواستار پیگیری و نظارت سازمان یافته اجلاس «ریو» و تشکیل «هیئت مشاوره عالی رتبه توسعه پایدار» شد و مرکز این نهاد شهر نیویورک در نظر گرفته شد. در سال ۱۹۹۳ هیئت فوق اجلاسی برگزار کرد که مصوبات آن در مجمع عمومی ۹۴ به تصویب رسید.^{۷۱} آنچه در طول این سالها، بصورت برجسته احساس می شد، همانا

گسترش دامنه مباحث بود.

«توسعه پایدار» اینک، چون چتری، بسیاری از چالشها و مناظرات سابقاً نامربوط و متفاوت را دربر گرفته است. گستره مناظره و تعمیق مفاهیم در «توسعه پایدار»، سازمان های بین المللی را تحت تأثیر قرار داد. برای مثال، «یونسکو» که در زوایای مباحث و بویژه در «دستور کار ۲۱» مسئولیت هایی پیدا کرده بود، در این عرصه وارد شد و با این تحرك، مسئله آموزش و فرهنگ و اشتغال مورد توجه قرار گرفت و به این ترتیب علاوه بر «بوم شناسی»، از ابعاد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی و حتی از مبانی «معرفت شناسی پایدار»^{۷۲} نیز، صحبت به میان آمد.

در همین زمینه، آقای «فدریکو مایور» (Federico Mayor) مدیر کل یونسکو در اوایل سال ۱۹۹۳ دو کمیسیون، تشکیل داد: ۱- کمیسیون بین المللی در زمینه تعلیم و تربیت برای قرن ۲۱ به ریاست «ژاک دلور» (شخصیت برجسته فرانسوی و رئیس اسبق کمیسیون اروپا)؛ ۲- کمیسیون جهانی در زمینه فرهنگ و توسعه به ریاست «خاویر پرز دکوئیار» (دبیر کل اسبق سازمان ملل).^{۷۳}

«مایور»، رسماً تشکیل این کمیسیونها را در «سمپوزیوم نقش سازمان ملل در قرن بیست و یکم» در سخنرانی خود تحت عنوان «ظرفیت سازی برای توسعه پایدار» در فوریه ۱۹۹۳ در توکیو اعلام کرد.^{۷۴} یونسکو گذشته از کمیسیونهای فوق به اقدامات خود در زمینه «تأمین آب شیرین»، «اقیانوس شناسی»، «...» در این بستر نو، تحرك دوباره بخشید.

از «اجلاس فونکس» در سال ۱۹۷۱، دیرزمانی نگذشته است، ولی مناظره مربوط به محیط زیست و «توسعه پایدار» دامنه ای بسیار گسترده و متنوع یافته است. اجلاس «ریو» و «دستور کار ۲۱» به صورت یکی از اساسی ترین اسناد بین المللی، مورد توجه بسیار قرار گرفت؛ سند معتبری که حرکت و «برنامه جهانی برای قرن ۲۱» تلقی شد.^{۷۵}

به دنبال گردهم آیی عظیم در «ریو» و تشکیل «کمیسیون توسعه پایدار سازمان ملل» (CSD) برای نظارت بر تعهدات پذیرفته شده در «دستور کار ۲۱»، اقدامات وسیعی بر نامهریزی شد؛ برای مثال «کنوانسیون سازمان ملل برای بیابان زدایی»، کنوانسیون های سازمان ملل در ارتباط با «تنوع حیات» و نیز «تغییر آب و هوا» و چندین موافقت نامه بین الدولی در مورد ماهیگیری، حفاظت جنگلها و... (که همه به عنوان پیگیری تعهدات اجلاسی «ریو» دنبال شد).

در اوایل تابستان ۱۹۹۷ اجلاس ویژه ای از سوی مجمع عمومی سازمان ملل به منظور ارزیابی میزان پیشرفت های اجرایی «دستور کار ۲۱» در نیویورک تشکیل شد. این اجلاس که «زمین +۵» نام داشت موضوعات وسیع و متنوعی را در عرصه «توسعه پایدار» مورد بررسی قرار داد.

آنچه اینک کاملاً آشکار است، همانا اهمیت رو به تزاید سرفصل «توسعه پایدار»، و تنوع و گستره وسیع مباحث است که آن را به یکی از

۱۸. فطرس، پیشین، ص ۱۷.
19. Charles Arden - Clarke, "South - North Terms of Trade, Environmental Protection and Sustainable Development", **International Environment Affairs**, Vol. 4, No. 2, (Spring 1992), p.124.
20. **Ibid.** p, 125.
21. **Ibid.**
22. **Ibid.**
۲۳. بر آدو کاوانا، پیشین، ص ۲۱۰.
24. Clarke, **op. cit.** p.127.
25. **Ibid.**, p. 128.
26. Soto, **op. cit.** p. 685.
۲۷. فطرس، پیشین، ص ۸.
28. Soto, **op. cit.** p. 685.
29. **Ibid.**, p. 698.
30. **Ibid.**, p. 691.
31. **Ibid.**, p. 698.
32. Williams, **op. cit.** p. 24.
۳۳. رحمانی، پیشین، ص ۸۵.
۳۴. همان.
۳۵. همان.
۳۶. زاكس، «استراتژی انتقالی...»، پیشین، ص ۶.
37. Soto, **op. cit.** p. 690.
۳۸. فطرس، پیشین، ص ۸.
۳۹. زاكس، «بوم‌شناسی...»، پیشین، ص ۳۵.
۴۰. همان، ص ۲۹.
۴۱. مایکل تودارو، توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، (تهران: انتشارات سازمان برنامه،؟) جلد دوم، ص ۸۵۲.
۴۲. زاكس، «بوم‌شناسی...»، پیشین، ص ۴۰.
۴۳. همان.
۴۴. همان، ص ۵۵.
۴۵. زاكس، «استراتژی انتقالی...»، پیشین، ص ۵.
46. Williams, **op. cit.** p. 16.
47. John F. Devlin, & Nonita T., Yap, "Sustainable Development and the Nics: Cautionary Tales for the South in the New World (Dis) Order", **Third World Quarterly**, Vol. 15, No. 1, (1994), p.60.
۴۸. این روند در گزارش پیوست، پی گرفته شده است.
49. **Yearbook, of the U.N., 1992**, p.674.
۵۰. زاكس، «استراتژی انتقالی...»، پیشین، ص ۱۴.
51. Williams, **op. cit.** p.10.
52. **Ibid.** p. 26.
۵۳. این نوشتار که از عبارات تعصب آلود، تنگ‌نظرانه و نگرشی تحقیرآمیز انباشته است، با داعیه پژوهشی آکادمیک آغاز می‌گردد ولی در انتها به تحلیلی سطحی و غیر منصفانه تبدیل می‌شود. این مقاله بخصوص از جهت به‌کارگیری مکرر صفاتی مطلق در ضعف «جنوب» و قوت «شمال» مثال‌زدنی است!
۵۴. زاكس، «بوم‌شناسی...»، پیشین، ص ۴۱.

مناظرات اصلی سالهای انتهایی قرن بیستم تبدیل کرده است. از اجلاس «ریو» به‌بعد، بویژه بر «توسعه پایدار» به‌عنوان اساسی‌ترین، حیاتی‌ترین و محوری‌ترین مناظره در قرن ۲۱ تأکید بسیار می‌شود به‌همین دلیل، این موضوع مورد توجه فراوان قرار گرفته است.

در انتها، با اطمینان می‌توان گفت که تحت عنوان «توسعه پایدار» نهادی نقش آفرین، در سطح جهان در حال تولد است. این نهاد جدید همراه با علائق زیست‌محیطی، «زبان» جدیدی را خلق خواهد کرد که فراگیر خواهد شد و... اینکه ملت‌ها و کشورهایایی که در این عرصه حیاتی و در مرحله شکل‌گیری آن مشارکت فعال نداشته باشند، ناگزیر در دامنه بازتاب‌ها، از آن اثر خواهند پذیرفت.

زیر نویس‌ها

- Marc Williams, "Re- articulating the Third World Coalition: The Role of the Environment Agenda, **Third World Quarterly**, Vol. 14, No.1, (1993), p.17.
- Ibid.** p.18.
- Ibid.**
- اینیاسی زاكس، بوم‌شناسی و فلسفه توسعه در قرن ۲۱، ترجمه سیدحمید نوحی، (تهران مؤسسه فرهنگی کیان، ۱۳۷۳)، ص ۱۷.
- اینیاسی زاكس، «استراتژی انتقالی در قرن ۲۱»، ترجمه فاطمه فراهانی، فصلنامه طبیعت و منابع (یونسکو) شماره ۳، سال ۱۳۷۲، ص ۴۰.
- دکتر سعیده لطفیان، «بررسی الگوی توسعه پویا در آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳.
- Alvaro Soto "The Global Environment: A Southern Perspective", **International Journal of Environment & Development**, No. 4, Autumn 1992, p.695.
- «توسعه پایدار از تئوری تا عمل»، ترجمه و تلخیص فریده رحمانی، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۰-۶۹- سال هفتم، خرداد و تیر ۱۳۷۲، ص ۸۴.
- دکتر محمد حسن فطرس، «توسعه پایدار، جمعیت و فقر و محیط زیست». گزارش سمینار منطقه‌ای اثرات متقابل جمعیت و محیط زیست، ۱۲-۱۴ آذرماه ۱۳۷۴، تهران ص ۱۱.
- رابین بر آدو و جان کاوانا، «جنوب فقرزده را نادیده نگیرد»، ترجمه فرامرز فرید، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۱۲۲-۱۲۱، سال دوازدهم، مهر و آبان ۱۳۷۶، ص ۲۱۳.
- رحمانی، پیشین، ص ۸۴.
- کلود ویلنور، «شهروند و محیط زیست»، پیام یونسکو، آذرماه ۱۳۷۰، شماره ۲۵۸، ص ۱۷.
- Yearbook of the U.N. 1992**, Volume 46, p.670.
- لستر براون، کریستوفر فلاوین، ساندر ایوستل، «تصویر اجتماعی قابل زیست» پیام یونسکو، آذرماه ۱۳۷۰، شماره ۲۵۸، ص ۲۸.
- A. Soto, **op. cit.** p.685.
- ویلنور، پیشین، ص ۱۸.
- به این ترتیب رسیدن به میانگین ۱/۵ بچه در یک خانواده، در آمریکا بیشتر از هر جای جهان و بخصوص بسیار سودمندتر از رسیدن به این رقم در بنگلادش است!!

۵۶. در محافل شمال معروف است که بانک جهانی در برخورد با محیط زیست در مقایسه با دیگر سازمانها «بیشترین» توجه را به جهان سوم داشته است. بانک جهانی که نفوذش را از مالکیت منابع مالی به دست می آورد، در سال ۱۹۸۷ با ترسیم «شرایط سبز» نیز سعی کرد نقشی هماهنگ کننده در زمینه محیط زیست (عمدتاً در محدوده منافع و تعریف «شمال» از مسئله) بازی کند. (نقشی که بسیار درباره اش تبلیغ می شود).

شایسته ذکر است که این بانک در ۱۹۸۴، سعی کرد در قالب پروژه هایی فعالیت های خود را در زمینه محیط زیست سامان دهد، اما این پروژه ها به علت اشتباه های بسیار در زمینه مهندسی و محیط زیست، آثار ناگوار و غیر قابل انکاری در زوال سرمایه و منابع طبیعی مشترک جهان سوم بر جای گذاشت؛ اشتباهات اسفباری که جهان سوم امروز نیز از آن در رنج است.

قابل توجه است که «در آن زمان در بانک جهانی در جهت انجام این رسالت که بسیار بر آن تأکید می شود صرفاً ۵ نفر کارشناس و متخصص محیط زیست تمام وقت در بین ۵۲۵۰ کارمند این بانک وجود داشت تا این مسئولیت را بر عهده گیرد!» (Soto, op. cit, p. 702)

۵۷. زاکس، «بوم شناسی...»، پیشین، ص ۴۴.

58. Federico Mayor "Capacity-building for Sustainable Development, Address by Director General of UNESCO at, The Symposium of the "Role of the UN in the 21 Century" UN Univ. Tokyo, 18. Feb., 1993, p.2.

۵۹. برای توضیح بیشتر به گزارش پیوست مراجعه شود.

۶۰. چوب (اعم از هیزم یا زغال)، هنوز ۱۲٪ از کل انرژی مصرفی در کشورهای در حال توسعه را تأمین می کند.

۶۱. شایان توجه است که مجموع (اصل و فرع) دیون خارجی کشورهای جهان سوم در حدود دو هزار میلیارد دلار تخمین زده می شود در حالی که... هزینه نظامی جهان از دهه ۱۹۶۰ تا کنون (۱۹۹۲) بیش از ۱۷ هزار میلیارد دلار شده است. ر.ک. به:

Soto, op. cit. p. 685.

۶۲. کشورهای «شمال» در جهت حفظ نابرابریهای موجود، در این زمینه نیز به زیان کشورهای جنوب قانون وضع می کنند. تصویب و اجرای مالیات بر انرژی (و سوخت های فسیلی) مثال آشکار این جریان است، بدیهی است در صورت عدم اصلاح و عدم مقابله با این اقدامات ستمگرانه و استعماری (که تنها با حرکت و نیز مقاومت هماهنگ و یکپارچه کشورهای «جنوب» و کشورهای در حال توسعه می تواند متوقف شود) عملاً در آینده شاهد آبادانی، ثروت و ترقی بیش از پیش «شمال» و ویرانی، زوال منابع و فقر بیش از پیش «جنوب» خواهیم بود، در حالی که، بر اساس منطق «توسعه پایدار» و تعاریف مصوب جهانی، انسان و محیط زیست و روابط متقابل آنها، نیازمند شرایط متوازن و عادلانه تری است.

63. Devlin & Yap, op. cit. p. 49.

64. Soto, op. cit. p. 686.

۶۵. برای تبیین این قابلیت ها، جدا از ایمان انسانها، در اقصی نقاط کره خاکی، مبنی بر اینکه نظام آفرینش را سر می است که با وجود تمامی مصادب و دشواری ها، بر اساس مشیت «صاحب سر»، بقا و تداوم خواهد یافت و... اینک انسان، این «تافتة جدابافته» بیهوده آفریده نشده است، به عنوان

عاملی معنوی در زدودن ناامیدی ها، اهمیتی غیر قابل انکار دارد، محاسبات مادی نیز این توانایی های بالقوه را حکایت می کند. در اینجا تنها به چند مثال اکتفا می شود. ناگفته پیداست که بر تعداد و تنوع آنها بسیار می توان افزود: - استفاده از انرژی خورشید، در برتودستیابی به تکنولوژی های برتر، روز به روز ارزاتر و قابل دسترس تر می شود.

- با توجه به تحقیقات جدید، انرژی باد روز به روز ارزان تر می شود؛ در حال حاضر انرژی باد ۴۰٪ ارزان تر از انرژی هسته ای و تقریباً قابل رقابت با انرژی زغال سنگ در آمریکاست. مهندسان به آینده آن با بهبود کیفیت توربین های بادی، کاملاً امیدوارند. (ر.ک. به: براون، فلاوین و پوستل، پیشین، ص ۳۰).

- انرژی آب در حال حاضر حدوداً ۱۹٪ الکتریسیته جهان را تولید می کند و امکان افزایش این درصد کماکان وجود دارد (همان.).

- بر اساس تخمین وزارت انرژی آمریکا، ریزش انرژی تجدیدشونده (باد و آب و خورشید و...) موجود در آمریکا (و بر همین مبنا در کل جهان) در حال حاضر ۲۵۰ برابر میزان مصرف (مصرفانه) سالانه انرژی در این کشور است! (همان، ص ۲۸).

- از ۷۵۰۰۰ گونه گیاهان خوراکی جهان، فقط حدود ۱۵۰ گونه آن در مقیاس وسیع کشت شده است.

(World Wild Found, 1986)

دکتر اشوادان، «تنوع زیستی مناطق حفاظت شده و توسعه پایدار»، فصلنامه طبیعت و منابع، یونسکو، سال ۱۳۷۲، ص ۲۴.

66. Yearbook of the U.N., 1992, p.670.

67. Ibid. p. 673.

68. Ibid. p. 674.

69. "Agenda 21, The United Nations Program of Action from Rio" DPI/344 - December/ 1994- IOM (Second Printing - New York), p.1.

۷۰. نکته قابل توجه در این مجمع، نوع تکیه کشورهای غربی بر مسئله جنگل ها در کشورهای مناطق استوایی بود که با اعتراضاتی بسیار روبرو شد. مالزی بویژه در تمامی مباحث همواره این موضوع (جنگل های استوایی) را دخالت در امور داخلی خود اعلام کرده و در همه مواردی که موضوع «جنگل زدایی» در مصوبات به نوعی مورد اشاره قرار گرفته است، رسماً مخالفت خود را ثبت کرده است.

71. Yearbook of the U.N., 1994, Volume 48, p.768.

72. Mayor, op. cit. p.3.

73. Ibid.

74. Ibid. p.1.

75. "Agenda 21", op. cit. p.13.

منابع:

الف- کتب و مقالات فارسی:

- ۱- دکتر اشواران، «تنوع زیستی مناطق حفاظت شده و توسعه پایدار»، مجله طبیعت و منابع، یونسکو، ۱۳۷۲.
- ۲- اینیاسی، زاکس، «استراتژی انتقالی در قرن ۲۱»، ترجمه فاطمه فراهانی، فصلنامه طبیعت و منابع، یونسکو شماره ۳، ۱۳۷۲.
- ۳- اینیاسی، زاکس، بوم شناسی و فلسفه توسعه، ترجمه سیدحمید نوحی، مؤسسه فرهنگی کیان، بهار ۱۳۷۳.

Vol.4, No. 2, (Spring 1992), pp.122-138.

2- Devlin, John F. and Yap Nonita T., "Sustainable Development and the Nics: Cautionary Tales for the South in the New World (Dis) Order", **Third World Quarterly**, Vol. 15, No. 1, (1994), pp. 47-62.

3- Mayor, Federico, "Capacity - Building for Sustainable development", Address by Director - General of UNESCO at The Symposium on the Role of the UN in the 21 Century, UN Univ. Tokyo, 18. Feb, 1993.

4- Williams, Marc, "Re-articulating the Third World Coalition: The Role of the Environment Agenda", **Third World Quarterly**, Vol. 14, No. 1, (1993).

5- "Agenda 21, the United Nations Program of Action from Rio" DPI/1344- December/1994- IOM (Second Printing) , New York.

6- Soto, Alvaro, "The global environment: A Southern Perspective", **International Journal of Environment & Development**, No. 4, Autumn 1993, pp. 679-705.

7- **Yearbook of the U.N., 1992**, Volume 46 pp.670-680.

8- **Yearbook of the U.N., 1994**, Volume 48, pp.765-770.

۴- براد، رایین - کاوانا، جان، «جنوب فقرزده را نادیده نگیرد»، ترجمه فریبرز فرید، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲-۱۲۱ سال دوازدهم، مهر و آبان ۱۳۷۶.

۵- براون لستر، فلاوین کریستوفر، بوستل ساندر، «تصویر اجتماعی قابل زیست»، نشریه پیام بونسکو، آذرماه ۱۳۷۵.

۶- تودارو، مایکل، توسعه اقتصادی جهان سوم، ترجمه دکتر غلامعلی فرجادی، انتشارات سازمان برنامه و بودجه، تهران: جلد دوم.

۷- رحمانی، فریده (ترجمه و تلخیص)، «توسعه پایدار از تئوری تا عمل» اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۷۰-۶۹، سال هفتم، خرداد-تیر ۱۳۷۲.

۸- فطرس، دکتر محمدحسن، توسعه پایدار، جمعیت، فقر و محیط زیست.

۹- گزارش سمینار منطقه‌ای اثرات متقابل جمعیت و محیط زیست ۱۴-۱۲ آذرماه ۱۳۷۴، تهران.

۱۰- دکتر لطفیان، «بررسی الگوی توسعه پویا در آسیای مرکزی و قفقاز»، مجله اطلاعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۴، بهار ۱۳۷۳.

۱۱- مخدوم، دکتر مجید، «تجربه جهانی رابطه متقابل جمعیت و توسعه»، گزارش سمینار منطقه‌ای اثرات متقابل جمعیت و محیط زیست ۱۴-۱۲ آذرماه ۱۳۷۴- تهران.

ب- انگلیسی:

1- Arden - Clarke, Charles "South - North Terms of Trade, Environmental Protection and Sustainable Development", **International Environment Affairs**,





پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



ژورنال علمی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی